



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۸۹

پاسخنامه

پایه :	۵	موضوع :	عقاید ۵
تاریخ :	۸۹/۶/۲۴	ساعت :	۱۸

نام کتاب: بداية المعارف الالهية، از عقیدتنا فی طاعة الأئمة تا آخر کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. إن المراد بالأمر في قوله تعالى: «وأشركه (أى هارون) في أمرى» هو ج ۱۱۵ (ع: ۱: ۲)
 - أ. الإمامة ☐
 - ب. النبوة ☐
 - ج. الأعم من النبوة والإمامة ☒
 - د. المعاونة على تنفيذ ما بعث فيه ☐
۲. کدام فرد جزء نواب خاص امام عصر (عج) نیست؟ أ ۱۴۵ (ع: ۱: ۱)
 - أ. محمد بن يعقوب كليني ☒
 - ب. حسين بن روح نوبختي ☐
 - ج. على بن محمد سمري ☐
 - د. محمد بن عثمان بن سعيد عمري ☐
۳. قوله تعالى: «قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة في القربى» ج ۸۹
 - أ. نزل في مكة ☐
 - ب. يحمل «القربى» فيه على التقرب من الله بطاعة ☐
 - ج. سبق لبيان قضية حقیقیة ☒
 - د. يحمل «القربى» فيه على علی وفاطمة والحسين لا غير ☐
۴. إن كان التحرّز عن الضرر بالتقية وفعله مساوياً في نظر الشارع فالتقية د ۱۸۲ (ع: ۱: ۲)
 - أ. مستحب ☐
 - ب. حرام ☐
 - ج. واجب ☐
 - د. مباح ☒

تشریحی:

۱. با استفاده از آیه «لا ینال عهدی الظالمین» ثابت کنید ائمه (ع) از ابتدای عمر تا هنگام وفات، معصوم هستند؟ ۷۱ و ۷۰ (ع: ۲: ۱)

حضرت ابراهیم (ع) پس از دریافت مقام امامت، این مقام را برای ذریه‌اش نیز درخواست کرد حال به حصر عقلی می‌توان گفت ذریه‌ای که آن حضرت درخواست مقام امامت را برای آن‌ها داشت چهار حالت می‌توانست داشته باشد: ۱. کسی که در تمام عمر از ابتدا تا انتها ظالم است. ۲. کسی که در انتهای عمر ظالم است. ۳. کسی که در تمام عمر هرگز ظالم نیست. ۴. کسی که فقط در آخر عمر ظالم نیست.

جلالت حضرت ابراهیم (ع) مانع از این می‌شود که بگوییم برای دو گروه اول درخواست اعطای مقام امامت را کرده باشد، پس برای دو گروه اخیر درخواست کرده و خداوند با جمله «لا ینال عهدی الظالمین» به او یادآور شده که کسی که در ابتدای عمر ظالم بوده و در انتها ظالم نبوده مشمول این مقام نمی‌شود. (و از آنجا که به واسطه روایات متواتر، امامت ائمه اطهار (ع) ثابت شده است، نتیجه می‌شود که ایشان در تمام عمر معصوم بوده‌اند.)

۲. آیا کلمه «أولی الامر» در آیه شریفه «یا أئمة الذین آمنوا أطیعوا الله وأطیعوا الرسول وأولی الأمر منکم» شامل فقها نیز می‌شود؟ توضیح دهید. ۶۰

وأما شموله الى الفقهاء ففيه تفصيل، فإن ارید به شموله أصالة فقد مرّ وجه اختصاصه بالمعصومين فلا يشمل غیرهم، وإن ارید به شموله لهم تبعاً للأئمة المعصومين لأنهم یكونون فی طول الأئمة بعد کون مشروعية ولايتهم بنیابتهم عنهم، فلا یبعد صحته إذ ولايتهم من شؤون ولاية الأئمة (أصالتاً شامل نیست ولی تبعاً شامل می‌شود)

۳. چگونه می‌توان از راه سیره پیامبر (ص) به نصب امام توسط پیامبر پی برد؟ ۱۰۰ (ع: ۲: ۲)

(پیامبر اکرم (ص) مهربان‌ترین انسان‌ها نسبت به آنها بود و بیشترین تلاش را برای هدایت مردم انجام داد.) سیره او چنین بود که هرگاه حتی برای یک یا دو روز از مدینه مسافرت می‌کرد، کسی را به جای خود می‌گماشت؛ حال چگونه ممکن است نسبت به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسأله جهان اسلام بی‌تفاوت بوده، کسی را به عنوان امام پس از خود نصب نکند.

* إِنَّ المصنّف ذهب إلى أنّ المهمّ ليس في هذه العصور هو إثبات أنّ الأئمة هم الخلفاء الشرعيون و أهل السلطنة الإلهية معللاً بأنّ ذلك أمر مضي في ذمّة التاريخ و ليس في إثباته ما يعيد دورة الزمن من جديد أو يعيد الحقوق المسلوبة إلى أهلها. و لكنّه لا يخلو عن النظر.

۴. عبارت فوق را توضیح داده و نقد شارح بر نظریه مصنف را بیان کنید. ۷۸

۱. مصنف معتقد است که در این زمانها اثبات اینکه ائمه جانشینان شرعی و حاکمان الهی می باشند مسأله اصلی و حیاتی نیست زیرا امری است تاریخی و در اثبات یا نفی آن نفعی وجود ندارد زیرا نه ازمنه را برمی گرداند و نه حقوق غصب شده را به اهل آن می دهد.

۲. شارح در نقد این سخن می فرماید: این بحث فایده دارد زیرا اولاً امام دوازدهم زنده است و در لزوم اعتقاد به امامت ایشان نقش دارد و ثانیاً در زمان غیبت نیز اعتقاد یا عدم اعتقاد به ولایت فقهاء و جانشینان امام معصوم مبتنی بر این بحث است.

۵. با ذکر یک دلیل اثبات کنید که مراد از «ولی» در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» اولی به تصرف است و مراد، محبّ و ناصر نیست. ۱۱۸ (ع: ۲: ۲)

۱. وحدت سیاق: مراد از «ولی» درباره خدا و رسول و الذین آمنوا یک چیز است و چون در دو فرد اول مراد «اولی به تصرف» است در «الذین آمنوا» هم مراد اولی به تصرف است.

۲. حصر: اگر مراد محبّ و ناصر باشد، حصر در آیه صحیح نیست؛ زیرا محبت و نصرت اختصاص به شخصی ندارد.

۳. نزول بلافاصله آیه به همراه بیان فوق العاده برای بیان فضیلت صدقه دادن امیر المؤمنین (ع)، با معنی اولی به تصرف تناسب دارد نه با یک معنی بدیهی مثل اینکه امیر المؤمنین (ع) دوست و یا ناصر مؤمنین است. (ذکر ادله صحیح دیگر نیز پذیرفته می شود).

* إِنَّ السبب فی الغیبة لیس من ناحیة الله تعالی ولا من ناحیة الامام الثانی عشر علیه السلام. ۱۴۸

۶. أ. سبب غیبت چیست؟ ب. دلیل هریک از دو مدّعی فوق را بنویسید.

أ. سبب الغیبة هو المكلفین والناس أى غلبة الخوف وعدم تمکین الناس من إطاعة الإمام. ب. لیس من ناحیة الله تعالی؛ لأنّ کمال لطفه تعالی یقتضی ظهور ولیّه و لیس من ناحیة الامام الثانی عشر (ع) لأنّ مقتضى عصمة الامام (ع) هو أن لا یغیب عن وظائفه وهدایة الناس وارشادهم.

* إِنَّ مقتضى تمامية الفاعل وقابلية القابل كما هو المفروض في وجود أئمتنا (ع) هو لزوم وجودهم وإلاّ لزم الخلف إمّا في تمامية الفاعل أو قابلية القابل ...

۷. با توجه به عبارت، توضیح دهید چرا عدم وجود امام در عالم، مستلزم خلف است؟ ۱۵۲ (ع: ۲: ۱)

فرض عدم وجود امام، یا به دلیل عدم تمامیت فاعل یعنی خداست یا عدم قابلیت قابل یعنی ائمه (ع)؛ در حالی که عدم تمامیت فاعل محال است؛ زیرا عجز و نقصان و بخل در خدا راه ندارد.

عدم قابلیت قابل هم خلاف فرض است؛ زیرا قابلیت ائمه برای کمال انسانی واضح است.

* إِنَّ الرجعة لا تستلزم عود ما خرج من القوة إلى الفعل إلى القوة ثانياً. ۱۷۴ (ع: ۲: ۱)

۸. با توجه به عبارت، اشکال مطرح در مسأله رجعت را تبیین کرده، آن را پاسخ دهید.

اشکال: رجعت به معنای بازگشت برخی اموات به این دنیاست و چنین امری مستلزم آن است که چیزی که از قوه به فعل رفته دوباره از فعل به قوه برگردد که به لحاظ فلسفی محال است بدین معنا که وقتی روح از بدن فارغ می شود در حقیقت از قوه خارج شده و بالفعل شده است حال با بازگشت مجدد روح به بدن در هنگام رجعت دوباره از حال فعلیت به حالت بالقوه برگشته است.

جواب: رجعت، مستلزم چنین لازمه ای نیست؛ زیرا چنین نیست که شخص به هنگام مردن به فعلیت کامل رسیده باشد بلکه ممکن است انسان با بازگشت مجدد به این دنیا کمالات دیگری دریافت کند، یا آنکه با حضور در عالم برزخ استعداد دریافت کمال بیشتر را پیدا کرده، و با حضور در دنیا، آن کمال را استیفا کند.

۹. با استفاده از دلیل «وعد» لزوم معاد را اثبات کنید. ۲۶۸ (ع: ۱: ۲)

خداوند در آیات قرآن وعده به ثواب و عقاب و بهشت و جهنم داده است و خداوند خلف وعده نمی کند؛ پس بهشت و جهنم (معاد) وجود دارد.